

باران در روایات

دکتر محمد حسن رستمی*

چکیده

باران رحمت الهی است، خداوند با فرو فرستادن این عامل حیات، سرسبزی نشاط و شادابی را بر همگان رقم زده است. باران و سودمندی‌های آن بارها در روایات اسلامی مطرح شده است و در آنها به نوشیدن از آب باران توصیه شده و از آثار مهم آن در دفع بیماری‌ها سخن به میان آمده است. در روایات، به زیبایی، ارتباط میان بارش باران و معنویت ترسیم شده و گناهان مانع نزول باران فهرست شده‌اند؛ ولی در این که منشأ باران، ابرها هستند یا این که باران در لایه‌ای فراتر از ابرها شکل می‌گیرد و ابرها حکم غربال را دارند، روایاتی وجود دارد که نیاز به بررسی بیشتری دارند. برخی این روایات را مخالف قرآن یا مخالف علم تلقی کرده و به دلیل ضعف سندی آنها را وانهادند. در این مقاله این روایات از جهت متنی و سندی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

کلید واژه‌ها: باران، ابر، آسمان، غربال.

درآمد

باران رحمت الهی است، خداوند با فرو فرستادن این عامل حیات، سرسبزی، شادابی و نشاط را بر همگان رقم زده است. زیبایی و سرسبزی طبیعت همه به یمن باران و آب آسمانی است و منابع آب‌ها در روی زمین، چشمه‌ها، قنات‌ها و چاه‌های عمیق از آب باران نشأت می‌گیرند؛ چنین است که کمبود باران، کاستی این آب‌ها و در نتیجه، خشکسالی را در پی دارد.

پیامبر اسلام فرموده‌اند:

ليس ماء في الارض الا وقد خالطه ماء السماء؛
هیچ آبی در زمین نیست جز آن که آمیزه‌ای از آب باران دارد.¹

* عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد.
1. البرهان فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 217.

قرآن کریم باران را آب پر برکت، نعمت الهی، نشانه او، رحمت خداوندی و رزق الهی می‌داند و به زیبایی، مراحل بارش، ذخیره سازی باران در زمین و احیای زمین توسط باران را مطرح ساخته است.^۲ باران و سودمندی‌های آن در روایات اسلامی نیز مطرح شده است. در برخی از روایات نکات بسیار مهم و قابل توجهی بیان شده است که حیرت انگیز و اعجاب آور است؛ ولی در پاره‌ای از منقولات روایی مطالبی، به ظاهر، خلاف عقل و علم دیده می‌شود.

آیا این دسته از روایات را باید مجعول تلقی کرده و در زمره اسرائیلیات^۳ به حساب آورد؟ یا این که دانش مربوط به آن احادیث را به معصومان واگذار کرده و در مورد آنها سکوت کرد؟ و یا این که تعبداً آن روایات را پذیرفت و در داده‌های علمی امروزی و اطلاعات بشری در زمان حاضر تشکیک کرد؟ و یا راه جمعی بین احادیث یاد شده و علم و عقل وجود دارد؟

در این مقاله به این مطلب پرداخته می‌شود و قبل از تحلیل راه‌های یاد شده، روایات ناظر به باران در فصل بندی ذیل تقدیم می‌گردد.

ارزش باران و سودمندی آن

توصیه به نوشیدن آب باران و اشاره به سودمندی آن در برطرف کردن بیماری‌ها از امیر مؤمنان گزارش شده است که فرمود:

اشربوا ماء السماء فانه يطهر البدن و يدفع الاسقام؛

از آب آسمانی [باران] بنوشید که پاک کننده بدن و زداینده بیماری‌هاست.^۴

پیدایش امراض در صورت عدم بارش باران یا بارش مداوم باران

امام صادق در حدیثی خطاب به مفضل^۵ به تفصیل، از باران و نقش آن در زندگی بشر سخن گفته و از آن جمله فرموده‌اند:

ای مفضل، درباره هوای صاف و باران اندیشه کن که چگونه هر کدام در پی یکدیگر بر این عالم پدید می‌آیند و اگر یکی از آن دو مداوم وجود داشتند، فساد عالم را در پی داشت. آیا نمی‌بینی که اگر باران‌ها مداوم و پی در پی نازل می‌شدند، گیاهان متعفن شده و بدن حیوانات زنده دچار رخوت و سستی می‌شدند و هوا سرد می‌شد و این خود باعث ایجاد انواعی از امراض می‌شد و راه‌ها دچار فساد می‌شدند و بر عکس، اگر بارش نبوده و هوای صاف مداوم بود، زمین خشکیده و گیاهان می‌سوختند و آب چشمه‌ها کم

2. برای اطلاع بیشتر ر.ک: سیمای طبیعت در قرآن، اثر نگارنده.

3. اسرائیاتیات، اصطلاحی است که اندیشمندان مسلمان آن را بر مجموعه اخبار و قصه‌های یهودی و نصرانی اطلاق می‌کنند که بعد از ورود جمعی از یهودیان و مسیحیان به دین اسلام یا تظاهر آنها به مسلمانی، وارد جامعه اسلامی شده است (ر.ک: آل‌لوسی مفسراً، ص ۳۱۹؛ الاسرائیلات و اثرها فی کتب التفسیر، ص ۷۳).

4. الکافی، ج ۶، ص ۳۸۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۹.

5. مفضل بن عمر از اصحاب امام صادق است که مفید وی را از بزرگان اصحاب امام صادق دانسته و از فقها صالح موثق به شمار آورده است و نیز شیخ طوسی وی را از محمودین دانسته است؛ گرچه بعضی وی را فاسد المذهب و مضطرب الروایه معرفی کرده‌اند (ر.ک: جامع الرواه، ج ۲، ص ۲۵۸؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۲۹۳).

شده و ضرر فراوانی به مردم وارد می‌شد و هوا نیز دچار خشکی شده و انواع دیگری از امراض ایجاد می‌شد، ولی وقتی این دو در پی یکدیگر ایجاد می‌شوند، هوا معتدل شده و هر یک مشکلات دیگری را خنثی می‌کند.^۶

در این روایت امام آثار عدم بارش باران را در:

۱. خشک شدن زمین [جفت الارض]،
۲. خشک شدن گیاهان و درختان [واحترق النبات]،
۳. کم شدن آب در ذخائر زمین [غیض ماء العیون و الاودیه]،
۴. خشک شدن رطوبت هوا [غلب الییس علی الهواء]،
۵. ایجاد انواعی از امراض [فاحدث ضرر با اخری من الارض].

معرفی کرده؛ و نیز بارش مداوم باران را موجب:

۱. پوسیدگی و تعفن گیاهان [غفنت البقول و الخضر]،
۲. سستی و رخوت حیوانات [و استرخت ابدان الحیوان]،
۳. سردی بیش از حد هوا [خصر الهواء]،
۴. تخریب راه‌های عبور مرور [فسدت الطرق]،
۵. ایجاد انواعی از بیماری‌ها [فاحدث ضرراً من الامراض].

دانسته‌اند؛ که بر اساس حکمت خداوندی در ایجاد طبیعت، بارش و عدم بارش باران کنترل شده و موجب صلاح و استقامت اشیای عالم شده است [فاذا تعاقبا علی العالم هذا التعاقب اعتدل الهواء و دفع کل واحد منهما عا دية الاخر فصلحت الاشياء و استقامت].

نحوه بارش باران و نقش آن در ایجاد رستاخیز طبیعت

در برخی روایات، چگونگی بارش باران گزارش شده و انسان‌ها را در این باره به اندیشه فرا می‌خواند.

امام عسکری می‌فرماید:

خداوند باران را از آسمان نازل می‌کند تا به همه قله‌ها، کوه‌ها و تمام نقاط مرتفع و هموار برسد و آن را دانه دانه و نرم و پی در پی قرار داد تا کاملاً در زمین فرو رود و سیراب گردد و آن را به صورت سیلابی نفرستاد تا زمین‌ها و مزارع و درختان را ویران کند.^۷

امام علی رستاخیز با شکوه طبیعت، در پی نزول باران را چنین ترسیم فرموده‌اند:

6. بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۲۵: فکر یا مفضل فی الصحو و المطر کیف یعتقدان علی هذا العالم لما فیہ صلاحه....
7. و ما انزل الله من السماء من ماء و ابلأ و هطلاو رداً لا ینزل علیکم دفعه واحدة فیفرکم و یهلك معاشکم لکنه ینزل متفرقاً من علا حتی یعم الاوهاد و التلال و التلاع (بحار الانوار، ج ۳، ص ۵۴).

بدین سان خداوند کاروانی از ابرهای پی در پی روان می‌سازد تا چونان مادری مهربان کودک طبیعت را در آغوش گیرد و بادهای سرد جنوبی در دوشیدن شیرش - که همان شبنم باران است - نقش خود را ایفا کند. تو گویی سینه طبیعت رگ کرده و با رگبارش زمین را سیراب می‌سازد و بدین سان چون ابر، زمین را زیر پستان پر بارانش می‌گیرد و بار گرانی را که آبتن آن است، فرو می‌بارد؛ در زمین خشک، گیاه و از کوه‌های عربان انواع سبزه‌ها می‌روید. اینک این زمین است که با آرایش گل و گیاه خود، به نشاط آمده و با پوشاک نرم و فاخری که از شکوفه‌ها به تن نموده به خود می‌بالد و به انواع زیورهایی که از فروغ خرمی گل و گیاهان به تن نموده فخر می‌فروشد.^۸

ارتباط بین نزول باران و معنویت

ارتباط بین نزول باران و معنویت در کتب آسمانی و نیز روایات اسلامی مطرح و بر آن تأکید شده است. قرآن کریم به زیبایی بیان می‌کند که اگر مردم پاک و پرهیزگار شوند، رحمت الهی بیشتر نازل می‌شود و گاه بر اثر گناهان بارش کم می‌گردد. قرآن می‌فرماید:

اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، به یقین برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم؛ ولی تکذیب کردند. پس به [کیفر] دستاوردهان [گریبان] آنان را گرفتیم.^۹

و نیز قرآن می‌فرماید که هود به قومش چنین می‌گفت:

ای قوم من، از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید تا از آسمان بارانی پیوسته بر شما بباراند.^{۱۰}

و نیز می‌فرماید:

اگر به طریقه راست پایداری کنند، از آبی فراوان سیرایشان کنیم.^{۱۱}

تورات نیز همانند قرآن، بین نزول برکات آسمانی و توبه و استغفار مردم رابطه برقرار می‌کند و بیان می‌کند که گناه مانع نزول باران، و توبه و استغفار باعث بارش باران بر زمین می‌شود. نمونه را بنگرید:

برای خود بت‌ها مسازید و تمثال تراشیده و ستونی به جهت خود برپا منماید و سنگی مصور در زمین خود مگذارید تا به آن سجده کنید.... اگر در فرایض من سلوک نمایید و اوامر مرا نگاه دارید و آنها را به جا آورید، آن گاه باران‌های شما را در موسم آنها خواهد

8. *نهیج البلاغه*، خطبه ۹۰:.... قد اسف هیده تمریه الجنوب در راهاضیه و دفع شایبیه... فهی تبتیح بزینہ ریاضها و تزدهی بما البسته من ربط از اهیبرها و حلیه ما سمطت به من ناصر انوارها.

9. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَآرِضٍ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (سوره اعراف، آیه ۹۶).

10. «وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا» (سوره هود، آیه ۵۲).

11. «وَأَلْوِ اسْتَقَامُوا عَلَي الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا» (سوره جن، آیه ۱۶).

داد و زمین محصول خود را خواهد آورد... و نان خود را به سیری خورده، در زمین خود به امنیت سکونت خواهید کرد.^{۱۲}

و در جای دیگر آمده است:

اگر اوامر یهوه خدای خود را نگاهداری و در طریق‌های او سلوک نمایی، خداوند تو را برای خود مقدس خواهد گردانید... و خداوند خزینه نیکوی خود، یعنی آسمان را برای تو خواهد گشود تا باران زمین تو را در موسمش بباراند...^{۱۳}

و نیز می‌گوید:

و تو بازگشت نموده، قول خداوند را اطاعت خواهی کرد و جمیع اوامر او را که من امروز بتو امر می‌فرمایم به جا خواهی آورد و یهوه خدایت تو را در تمامی اعمال دستت و در میوه بطنت و نتایج بهایمت و محصول زمینت به نیکویی خواهد افزود.^{۱۴}

و نیز آمده است:

هنگامی که آسمان بسته شود و به سبب گناهایی که به تو [خداوند] ورزیده باشند باران نیارد...^{۱۵}

در روایات اسلامی نیز چنین آمده است:

امام باقر می‌فرماید:

بارش هیچ سالی کمتر از سال دیگر نیست، ولی خدا هر جا بخواهد آن را فرود می‌آورد؛ سنت الهی چنین است که هرگاه گروهی معصیت کار شوند، آن مقدار بارانی که برای آنان در نظر گرفته بود، به جای دیگری می‌برد و یا آن را در دریاها و کوه‌ها و بیابان‌ها می‌باراند.^{۱۶}

امام سجاد می‌فرماید:

گناهان مانع بارش رحمت آسمانی عبارت‌اند از: ستم قاضیان در داوری، شهادت ناحق و کتمان شهادت.^{۱۷}

امام رضا می‌فرماید:

هرگاه فرمانروایان و زمامداران جامعه دروغ بگویند، باران نمی‌بارد.^{۱۸}

12. تورات، سفر لاویان، باب ۲۶، آیات ۶ - ۱.

13. همان، سفر تثئیه، باب ۲۸، آیات ۹ - ۱۳.

14. همان، باب ۳۰، آیات ۸ - ۱۰.

15. همان، «کتاب دوم تواریخ ایام»، باب ۶، آیه ۲۷.

16. انه ما من سنة اقل مطراً من سنة ولكن الله يضعه حيث يشاء ان الله عزوجل اذا عمل قوم بالمعاصي صرف عنهم ما كان قدر لهم من المطر في تلك السنة الى غيرهم و الى الفياقي و البحار والجبال (بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۲۹ و ۳۷۲؛ میزان الحکمه، ص ۹۹۶، حدیث ۶۶۴۳).

17. الذنوب التي تحبس غيث السماء جور الحكام في القضاء و شهادة الزور و كتمان الشهادة (همان، ص ۹۹۶، حدیث ۶۶۴۸).

18. اذا كذب الولاة حبس المطر (بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۷۳).

رسول گرامی اسلامی می‌فرماید:

مردم از پرداختن زکات خودداری نمی‌ورزند، مگر آن که بارش باران از آنان بازداشته می‌شود و اگر چهارپایان نبودند، اصلاً بارشی نداشتند.^{۱۹}

منشا باران ابرها یا آسمان

در قرآن کریم منشا نزول باران، آسمان معرفی شده است. تعبیر «انزل من السماء»، چهارده بار و «انزلنا من السماء»، چهار بار و «نزل من السماء»، دو بار و «نزلنا من السماء»، یک بار تکرار شده است. آیا مقصود از آسمان، کرات آسمانی است؟ که در این صورت ابرها حکم غربال را پیدا می‌کنند؛ چنان که فخر رازی گاه در تفسیرش به آن معتقد شده است و می‌نویسد:

خدا باران را در آسمان می‌آفریند و سپس آن را بر ابرها و از آن جا بر زمین فرو می‌باراند.^{۲۰}

وی حتی بر کسانی که مقصود از آسمان را ابر و سحاب دانستند و باران را حاصل تبخیر بخشی از آب‌های دریاها و درون زمین می‌دانند، خرده می‌گیرد.^{۲۱}

یا مقصود از آسمان ابرهاست؟ چنان که سماء را کنایه از ابرها دانسته‌اند و باران را حاصل تبخیر آب‌های زمینی معرفی کرده‌اند.^{۲۲} فخر رازی نیز در تفسیر آیه ۳۲ سوره ابراهیم همین نقل را پذیرفته و دلیل خود را مشاهدات خارجی معرفی می‌کند.^{۲۳}

مرحوم طبرسی گر چه در برخی آیات منشا باران را آسمان معرفی می‌کند^{۲۴}، ولی در توضیح بیشتر آیات، مقصود از سماء را سحاب و ابر می‌داند و با اشاره به نظر طبیعت‌شناسان - که ابر را حاصل بخارهای متصاعد از زمین می‌دانند - اشاره و آن را از علی بن عیسی رمانی نقل می‌کند و می‌نویسد:

گر چه این نظر قطعی نیست، ولی دلیل عقلی یا نقلی بر رد آن نداریم.^{۲۵}

به نظر می‌رسد چنین بگوییم که گرچه واژه سماء در قرآن مصادیق مختلفی دارد، اما قطعاً مفهوم فرازمندی و جهت فوق در همه آنها لحاظ شده است. فرهنگ نامه‌ها تصریح دارند که آسمان به لحاظ کاربرد زبان عربی به هر چیزی گفته می‌شود که در فراز قرار گیرد و بر انسان سایه افکند.^{۲۶} مفسران نیز بر این معنای لغوی تأکید کرده و واژه سماء را به همین معنی گرفته‌اند.

19. خمس ان ادركتموهن فتعذوا بالله منهن... و لم يمنعا الزكاه الا منعوا القطر من السماء ولولا البهائم لم يمطروا (الکافی، ج ۴، ص ۸۱).

20. مفاتیح الغیب، ج ۴، ص ۲۲۳؛ ج ۱۳، ص ۱۰۵؛ ج ۲۴، ص ۹۰.

21. همان، ج ۲۳، ص ۸۸.

22. المنار، ج ۲، ص ۶۰؛ جواهر فی تفسیر قرآن، ج ۱، ص ۳۱؛ ۱۲، ص ۲۱؛ المیزان، ج ۱۵، ص ۱۳۷.

23. مفاتیح الغیب، ج ۱۹، ص ۱۲۶.

24. مجمع البیان، ج ۴، ص ۱۴۸.

25. همان، ج ۱، ص ۶۱ و ۲۴۵؛ ج ۲، ص ۳۴۱.

26. مجمع البحرین؛ المفردات.

مرحوم طبرسی می‌نویسد:

أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ أَيْ مِنْ نَحْوِ السَّمَاءِ عِنْدَ جَمِيعِ الْمَفْسَرِينَ؛^{۲۷}

همه مفسران بر این باورند که «از آسمان فرو فرستاد»، یعنی از سوی آسمان.

علامه طباطبایی می‌نویسد:

أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا؛

یعنی از فرادست و «جو زمین» آب پاکیزه ای فرو فرستادیم.^{۲۸}

اگر مراد از «معصرات» در آیه ۱۴ سوره نبا نیز ابرهای متراکم باشد، منشأ باران ابرهای به هم فشرده خواهد بود^{۲۹} و به نوعی بیانگر مراد از آسمان، که همان جو زمین باشد.

کلام امام صادق درباره رنگ آسمان می‌تواند گواهی باشد بر این که مراد از آسمان جو زمین است. ایشان به مفضل فرموده‌اند:

هان مفضل، در رنگ آسمان بیندیش که خداوند آن را به موافق‌ترین رنگ برای چشم بشر آفریده است؛ رنگی که دیده را قوت می‌بخشد.^{۳۰}

بر اساس آنچه مطرح شد، پذیرفتن برخی منقولات روایی در این باره، ناممکن خواهد بود. بر پایه این گونه روایات نقل شده، تکوّن باران نه در ابرها که در بالاتر از ابرهاست و منشأ باران را باید در فراتر از ابرها جستجو کرد و ابر فقط حکم غربال را برای آب‌های بالادستی دارد. برخی از این روایات به شرح ذیل است:

۱. امام صادق از حضرت امیر نقل کرده است که حضرت فرمودند:

ابر غربال باران است و اگر چنین نبود؛ هر چه که باران بر آن فرود می‌آمد تباہ می‌شد.^{۳۱}

۲. از امام صادق نقل شده است:

اگر ابر نبود زمین خراب می‌شد و هیچ گیاهی نمی‌روید، ولی خداوند به ابر دستور می‌دهد و آب را غربال کرده و قطره قطره نازل می‌شود، ولی خداوند آن را بر قوم نوح بدون حساب فرستاد.^{۳۲}

27. مجمع البیان، ج۱، ص ۲۴۶.

28. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۳۷ و نیز ر.ک: معارف قرآن، ص ۲۶۳.

29. ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۷۸؛ مجمع البیان، ذیل آیه مذکور.

30. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۸۰.

31. السحاب غربال المطر و لولا ذالک لا فسد کل شیئی یقع علیه (بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۷۳).

32. لولا السحاب لخرت الارض فما ینبت شیئا ولكن الله یامر اسحاب فیغیر بل الماء فینزل قطرا و انه ارسل عل قوم نوح بغیر

حساب (بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۷۸).

۳. از امیر مومنان نقل شده است که آن حضرت فرمود:

در زیر عرش الهی دریایی است که در آن آب وجود دارد که رزق حیوانات را می‌رویانند. هرگاه خداوند اراده کند که برای آنها چیزی برونانند، به آن دریا وحی می‌کند که ببارد و آن از آسمانی به آسمانی دیگر می‌بارد تا به آسمان دنیا می‌رسد و آن را بر ابر می‌افکند و ابر به منزله غربال است. سپس خداوند به باد دستور می‌دهد که آن را آسیاب کرده و مثل نمک ذوب کند و آن را به سرزمینی برده و بر آنان ببارد و هیچ قطره‌ای از باران نمی‌بارد، جز آن که همراه او فرشته‌ای است تا آن را در جایگاهش قرار دهد.^{۳۳}

۴. از اما صادق گزارش شده است که حضرت از پدرش از امیر مومنان از رسول گرامی اسلام نقل کردند که خداوند ابر را غربال‌های باران قرار داده است و ابرها، تگرگ‌ها را ذوب می‌کنند تا تبدیل به آب شود و باعث صدمه به اشیا نشود و اگر تگرگی دیده می‌شود، عقوبت خداوند است که به هر کس خداوند بخواهد اصابت می‌کند.^{۳۴}

۵. از موسی بن جعفر از پدرانش از امام علی نقل شده است که حضرت فرمود:

بارانی که ارزاق حیوانات از آن پدید می‌آید، از دریایی زیر عرش است و به همین دلیل پیامبر اسلام در اولین باران یا اول هر باران می‌ایستاد تا سر و صورتش از باران خیس شود و می‌فرمود این آب قریب العهد به عرش است و هرگاه خداوند اراده کند که باران بیاید، آن را از آسمانی به آسمانی فرو می‌فرستند تا به زمین برسد و گفته می‌شود آن دریای زیر عرش همان «مزن» است (که در قرآن آمده است)^{۳۵} و بادی از زیر عرش می‌وزد که ابر را آبستن می‌کند. سپس از «مزن» آب فرو می‌ریزد.^{۳۶}

مرحوم مجلسی ضمن توضیح این دسته از روایات می‌نویسد:

33. ان تحت العرش بحرأ فیه ماءینبت ارزاق الحیوانات فاذا اراد الله عز ذکرة ان ینبت به ما یشاء لهم رحمة منه لهم اوحی الله الیه فمطر ماشاء من سماء الی سماء حتی یصیر الی الی سماء الدنیا - فیما اظن - فیلقیه الی السحاب و السحاب بمنزله الغریال ثم یوحی الی الریح ان اطحنیه و اذ یبیه ذوبان الملح ثم انطلقی به الی موضع کذا... (بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۸۰؛ روضة الکافی، ص ۲۳۹).

34. قال رسول الله : ان الله عز و جل جعل السحاب غر ایلل المطر هی تذبیل البرد حتی یصیر ماء لکی لا یضر شیئاً یصبیه و الذی ترون فیه من البرد و الصواعق نغمه من الله عزوجل یصیب بها من یشاء من عباده (بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۸۱؛ روضة الکافی، ص ۲۴۰).

35. (آیا آبی را که می‌نوشید دیده‌اید) آیا شما آن را از مزن فرو می‌آورده‌اید؟ یا ما آن را فرو آورنده‌ایم؟ (سوره واقعه، آیه ۶۹).
36. المطر الذی منه ارزاق الحیوانات من بحر تحت العرش فمن ثم کان رسول الله یمتطر اول مطر و یقوم حتی یتلّ رأسه و لحنیه ثم یقول ان هذا قریب عهد بالعرش و اذا ارادالله تعالی ان یمطر انزله من ذالک الی سماء بعد سماء حتی یقع علی الارض و یقال المزن ذالک البحر و تهب ریح من ساق العرش تلقح السحاب (بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۲۳۸، به نقل از النوادر).

در پایان برخی از روایات تصریح شده است که آنچه از آسمان نازل می‌شود، به شکل تگرگ (برد) است که توسط باد یا ابر آسیاب شده و ذوب می‌گردد و سپس به صورت قطرات باران به زمین می‌بارد.^{۳۷}

ع از امیر مؤمنان نقل شده است:

ما انزلت السماء قطرة من ماء منذ حبسه الله عزوجل ولو قد قام قائمنا لانزلت السماء قطرها؛ خداوند از روزی که باران را حبس کرده، از آسمان هیچ قطره‌ای نازل نکرده است و در زمان قیام قائم آسمان بارانش را نازل خواهد کرد.

در این گونه روایات نقل شده - که مستفیض هم هستند^{۳۸} - چند نکته قابل توجه است.

الف. باران قبل از آنکه به صورت آب باشد در آسمان به صورت تگرگ بود و سپس با فعل و انفعالاتی توسط باد یا ابر آسیاب و ذوب شده و به صورت قطره‌های آب در می‌آید.

ب. بارانی که رزق حیوانات است از آسمانی به آسمانی منتقل شده و به ابر می‌رسد و اگر به مفهوم این سخت توجه کنیم، پس از بارانی غیر از آن هم وجود دارد.

ج. ابرها حالت غربال‌گری دارند، نه مولد باران.

آیا به راستی تکون و ایجاد باران در فضای بالاتری از ابرها، انجام می‌پذیرد؟ مقصود از آسمانی به آسمانی چیست؟ آیا مقصود، مراحل تولید فیزیکی باران است که از این مرحله‌ها تعبیر به آسمان شده است یا مقصود، مراحل معنوی اوامر خداوند برای ایجاد باران است؟

و در هر صورت، مقصود از غربال‌گری ابرها چیست؟ آیا بخارهای متصاعد از دریاها در فضای بالاتری از ابرها، سرد شده و تبدیل به تگرگ می‌شوند و سپس با نیروی موجود در ابرها، تبدیل به قطرات آب می‌شوند. آیا قبل از بارش باران از ابرها، انبوهی تگرگ از فرا دست ابرها بر آنها فرو می‌بارد؟

فاصله بین موقعیت فرادستی با ابرها چه مقدار است؟

اگر اثبات شود که حتی با فاصله کمی، تگرگ در بالاتر از ابر، تشکیل می‌شود، ابرها حکم غربال را خواهند داشت. اثبات علمی این مسائل در تخصص نگارنده این سطور و حوصله این مقاله نیست؛ ولی از منظر مباحث حدیث شناسی به چند نکته اشاره می‌شود:

۱. گاه تصور می‌شود که این احادیث، مخالف قرآن بوده و از این جهت باید رد شوند. توضیح، این که قرآن در آیه ۱۴ سوره نبأ و نیز آیه ۴۳ سوره نور نزول باران را از «معصرات» (در آیه نخستین) و از کوه‌هایی از تگرگ (در آیه دوم) دانسته که مقصود از هر دو جمله ابرهاست.

پس بر اساس این دو آیه، نزول باران از ابرها و یا ابرهای کوهوار است، نه از آسمانی به آسمانی دیگر که در روایات بالا گفته شد. به نظر می‌رسد که این سخن ناتمام است؛ زیرا اولاً گرچه برخی از مفسران «معصرات» را به مفهوم ابرها گرفته‌اند و بیان کرده‌اند که ابرها دارای نیروی فشارنده در درون خود

37. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۸۱.

38. روایت مستفیض به روایتی می‌گویند که بیش از دو نفر آن را نقل کرده باشند، ولی به سرحد تواتر نرسد.

هستند که باعث تولید و ایجاد قطرات آب می‌شود،^{۳۹} ولی این احتمال قطعی نبوده و احتمال این که مراد از «معصرات» بادها باشند نیز وجود دارد و روایتی نیز نقل شده است که: خداوند فرشته‌ای از باد را می‌فرستد تا ابرها را بفشارد پس باران از آن فرود می‌آید.^{۴۰}

گرچه می‌توان حتی بر فرض این احتمال مراد از معصرات را فشارهای درونی و فعل و انفعالات داخلی ابرها تفسیر کرد؛ چرا که واژه معصرات دارای ساختار فاعلی است و اگر غیر آن بود، باید با ساختار مفعولی (معصرات) از ابرها یاد می‌شد.

ثانیاً به فرض این که مراد از «معصرات» ابرها باشد، نهایت چیزی که از این آیه استفاده می‌شود، این است که باران از ابرها نازل می‌شود، ولی این که باران از خود ابر تولید می‌شود یا این که قطعات یخ و تگرگ از فضای بالاتر بر ابرها ریخته و سپس نیروی فشارنده ابرها باعث آسیاب کردن و ذوب نمودن و تبدیل آنها به قطرات باران باشد، آیه بر هیچ کدام به طور صریح دلالت ندارد؛ زیرا در این آیه فقط اشاره به نزول باران از ابرها شده است، ولی از منشأ ایجاد باران سخنی به میان نیامده است تا بتوان روایات یاد شده را مخالف با قرآن تلقی کرد.

در آیه سوره نور نیز تنها بیان شده است که تگرگ از کوههایی در آسمان نازل می‌شود که ممکن است مقصود از کوهها در آسمان، همان ابرهای کوهوار باشد یا فراتر از ابرها، کوههایی از تگرگ در آسمان وجود داشته باشد.

و به فرض این که مراد، ابرها باشد، نهایت استفاده از این آیه این است که تگرگ از ابرها فرو می‌ریزد، اما منشأ ایجاد تگرگ خود ابر است یا جای دیگر به آن تصریح نشده است؛ حتی صدر همین آیه نیز که از راندن به نرمی ابرها و پیوند بین آنها و ایجاد ابر متراکم خبر داده شده و سپس فرموده است: «فتیری الودق یخرج من خلاله؛ آن گاه می‌بینی که از لا به لایش باران بیرون می‌جهد»، باز هم تنها خروج قطرات باران از لا به لای ابرها استفاده می‌شود، نه تولید و ایجاد قطرات در درون ابرها.

۲. ممکن است برای رد روایات یاد شده، تعارض آنها با روایات دیگر را مطرح کنیم که در آنها منشأ نزول باران ابرها معرفی شده است؛ همانند:

۱. امیر مؤمنان در خطبه اشباح می‌فرماید:

خداوند متعال زمین بی‌گیاه را که آب چشمه‌ها به جهت بلندی به آن نمی‌رسد و نهرهای کوچک و رودخانه‌ها بر فراز آن راه نیابد به حال خود نگذاشت تا ابر را که در هوا پدید آمده، خلق کرد تا مرده آن را زنده کند (زمین را آب داده) و گیاه آن را برویاند.^{۴۱}

39. المیزان، ج ۲۰، ص ۱۷۸؛ مجمع البیان، ذیل آیه؛ باد و باران در قرآن، ص ۱۲۶.

40. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۷۳.

41. ثم لم یدع جز الارض التي تقصر مياه العيون عن روابيها و لا تجد جداول النهار ذریعه الی بلوغها حتی انشا لها ناشئة تحیی مواتها و تستخرج نباتها (نهج البلاغه (فیض الاسلام)، ص ۲۵۸).

ولی به نظر می‌رسد در این روایت نیز تنها این مسأله مطرح شده است که خداوند برای آبیاری سرزمین‌های مرتفع - که از آبیاری نهرها محروم‌اند - ابرها را خلق کرده است که عمل آبیاری آن سرزمین‌های مرتفع توسط ابر انجام شود، ولی هیچ تصریحی در این روایت بر این که ابر منشا باران است، وجود ندارد و منافاتی با روایات قسمت قبل ندارد.

۲. حضرت در قسمت دیگری از همین خطبه می‌فرماید:

پاره‌های ابر را که برای باریدن آماده، ولی از هم جدا بود، به هم پیوست تا ابرهای سفید که پر آب بود به جنبش در آمده و مهیای باریدن گردید و در اطراف ابرهای کشیده و دایره مانند برق آن درخشید.^{۴۲}

۳. حضرت در جایی دیگر می‌فرماید:

بادهای سخت دریا را زیر و رو می‌کند و ابرهای پر باران، دریا را به جنبش می‌آورد.^{۴۳}

ولی این دو روایت نیز صراحتی بر این که منشا باران کجاست ندارد؛ تنها بیان شده که ابرهای پرباران دریاها را به جنبش می‌آورد یا خداوند آنها را به هم پیوند می‌دهد که مهیای بارش شوند، ولی این که منشا تولید آب موجود در ابرها، چیست و این آب و از کجا پدید آمده، صراحتی ندارد؛ گرچه برخی آن را مطرح کرده‌اند.

دکتر لبیب بیضون، پس از طرح مسأله وزش باد بر سطح دریاها و بیان اختلاف درجه حرارت ایجاد شده، می‌نویسد: ابرها - که متشکل از ذرات ریز بخار هستند - ایجاد شده و به سمت بالا حرکت می‌کنند و عبارت حضرت امیر را دال بر آن دانسته است،^{۴۴} ولی ما چنین دلالتی را از عبارت یاد شده نمی‌فهمیم. ۳. ممکن است برای رد روایات یاد شده به ضعف سندی آنها توجه کرده و آنها به دلیل ضعیف بودن کنار زده شوند.

توضیح این که: روایت نخستین از روایات یاد شده - که مسأله غربال بودن ابرها را مطرح کرده است^{۴۵} - از کتاب *قرب الاسناد* حمیری نقل شده است که در سند آن، گرچه سندی بن محمد وجود دارد که وی همان ابان بن محمد است^{۴۶} و وی را ثقه و وجه فی اصحابنا به شمار آورده‌اند،^{۴۷} ولی در سند روایت یاد شده ابوالبختری وجود دارد که وی همان وهب بن وهب القرشی المدنی است که وی را کذاب و بسیار دروغگو معرفی کرده‌اند.^{۴۸} پس روایت نخستین دچار ضعف سند بوده و بدین لحاظ قابل رد است.

42. حتی اذا تمخضت لجة المزن فيه و التمع برقه في كفه... (همان، ص ۲۵۹).

43. همان، ص ۶۷۱.

44. ر.ک: الاعجاز العلمي عند الامام علي، ص 35.

45. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۷۳.

46. معجم رجال الحديث، ج ۸، ص ۳۱۸.

47. همان.

48. همان، ج 21، ص 41؛ ج 19، ص 211؛ نیز جامع الرواه، ج 2، ص 302.

اما روایت دوم^{۴۹} - که از کتاب *المحاسن* برقی نقل شده - گرچه احمد بن محمد بن خالد، صاحب کتاب، ثقة و مورد اطمینان است، ولی در مورد وی نقل شده است که از ضعفا نقل حدیث می‌کرده است.^{۵۰} پدر وی را نیز ضعیف در حدیث تلقی کرده‌اند^{۵۱} که او نیز در سند حدیث دوم قرار دارد. و گرچه حسن بن علی و شاء جلیل القدر و ثقة است^{۵۲} و نیز علی بن حکم بن زبیر نیز جلیل القدر است^{۵۳} و ابان بن عثمان الاحمر نیز از اصحاب اجماع و از اجلا به حساب می‌آید، ولی مروی عنه، ابان مشخص نیست و روایت نیز مرسل به حساب می‌آید. پس روایت دوم نیز به لحاظ ارسال و نیز ضعف سند به واسطه محمد بن خالد دچار مشکل است. اما روایت سوم^{۵۴} و روایت چهارم^{۵۵} - که هر دو از کتاب *الکافی* نقل شده‌اند - سند آنها چنین است:

کلینی از علی بن ابراهیم از هارون بن مسلم از مسعده بن صدقه از امام صادق .

در جلال و وثاقت محمد بن یعقوب کلینی و نیز عظمت و وثاقت علی بن ابراهیم قمی^{۵۶} و نیز موثق بودن هارون بن مسلم^{۵۷} و نیز توثیق مسعدة بن صدقه العبدی^{۵۸} نمی‌توان تشکیک کرد و ضعف سندی یا اسنادی در روایات یاد شده دیده نمی‌شود. پس روایات سوم و چهارم قابل رد سندی نمی‌توانند باشند، بویژه اگر توجه کنیم که نظیر روایت چهارم در *علل الشرایع* شیخ صدوق و به واسطه پدر صدوق، از عبدالله بن جعفر حمیری، از هارون بن مسلم نیز نقل شده که همگی از اجلای رجال حدیثی هستند.

۴. تنها راه برای نقد احادیث یاد شده، نقد محتوایی است؛ بدین معنی که بگوییم: روایات ناظر به غربال بودن ابرها، مخالف علم مسلم بشری و در تعارض با دانش قطعی بشری است و نمی‌تواند از معصوم سخن خلاف واقعیت خارجی صادر شود.

پس بر این پایه روایات یاد شده را به کناری نهاده و آنها را مردود اعلام کنیم، ولی آیا دانش قطعی بشری، تولید قطرات باران در حداقل لایه‌ای بالاتر از ابرها را مسلماً مردود شمرده است؟ به نظر نگارنده گرچه مسأله مفروغ عنه گرفته می‌شود، ولی هنوز هم جای تحقیق در دانش بشری هست. پس روایات

49. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۷۸.

50. معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۶۱.

51. همان، ج ۱۶، ص ۶۵.

52. همان، ج ۵، ص ۳۴.

53. همان، ج ۱۱، ص ۳۹۴.

54. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۸۰.

55. همان، ص ۳۸۱.

56. معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۵۰؛ ج ۱۱، ص ۱۹۳؛ نیز جامع الرواه، ج ۲، ص ۲۱۸؛ ج ۱، ص ۵۴۵.

57. معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۲۲۹.

58. همان، ج ۱۸، ص ۱۳۹.

یاد شده در تقابل با دانش قطعی تلقی نمی‌شود و شاید مدتی نه چندان دور، بشر به حقیقتی عمیق‌تر، در باره تولید باران دست یابد.

نتیجه

بر اساس آنچه گفته شد، این نتایج به دست می‌آید:

۱. روایات یاد شده، گرچه برخی دچار ضعف سندی یا اسنادی هستند، ولی در بین آنها روایت موثق وجود دارد.

۲. روایات گفته شده گرچه با دانش امروزی بشری مخالفت دارد، ولی دانش امروزی در باره منشا تولید باران آخرین سخن در این باره نیست.

حال باید فهم این دسته روایات را به امامان معصوم واگذار کرد؟ یا این احادیث را به طور قطع کنار گذاشت یا بر اساس روایت ششم به دو نوع تولید باران باور داشت: ۱. تولید باران از دریاها، ۲. تولید باران بسیار گسترده‌تر در فضای بالاتر از ابرها که در زمان ظهور حضرت مهدی اتفاق می‌افتد؛ زیرا بر اساس روایت ششم^{۵۹} حتی قطره‌ای از باران نوع دوم بر زمین نباریده است^{۶۰} و یا... گفته شود که گرچه تولید همه انواع باران از دریا و اقیانوس‌هاست، ولی بخارهای متصاعد در فضای بالاتر از ابرها (هر چند اندک) به صورت تگرگ درآمده و سپس به وسیله ابرها غربال شده و به صورت باران فرود می‌آیند و یا....

به نظر می‌رسد پس از تأمل در دانش بشری اگر داده‌های علمی قطعی و مسلم باشند، آسان‌ترین راه، جعلی دانستن این دسته روایات است.

کتابنامه

- آلوسی مفسراً، عبدالحمید محسن، چاپ اول، مطبعة المعارف، بغداد، 1388 ق.
- الاسرائیلیات و اثرها فی کتب التفسیر، رمزی نغانه، دمشق، دارالقلم و دارالبیضاء، 1390 ق.
- الاعجاز العلمی عند الامام علی، لبیب بیضون، چاپ اول، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 2005 م.
- باد و باران در قرآن، مهدی بازرگان، قم، موسسه مطبوعاتی دارالفکر، 1344 ش.
- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1386 ق.
- البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، چاپ اول، قم، موسسه بعثت، 1417 ق.

59. بحار الانوار، ج 59، ص 379.

60. البته در سند روایت ششم قاسم بن حسن بن علی یقین است که ضعیف معرفی شده (معجم رجال الحدیث، ج 14، ص 16 و نیز قاسم بن یحیی که گرچه برخی او را موثق دانسته اند (همان، ج 14، ص 65)، ولی برخی وی را ضعیف دانسته‌اند (جامع الرواه، ج 2، ص 22).

- جامع الرواه اردبیلی، محمد بن علی الغروی الحائری، مكتبة المصطفوی، قم، بی تا.
- الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، طنطاوی، جوهری، بیروت، دارالفکر.
- دانشنامه جهان اسلام، سید مصطفی میر سلیم، تهران، بنیاد دائره المعارف اسلامی، 1375 ش.
- سیمای طبیعت در قرآن، محمد حسن رستمی، چاپ اول، قم، موسسه بوستان کتاب، 1385 ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1365 ش.
- مجمع البحرین، طریحی.
- مجمع البیان لعلوم القرآن، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (امین الاسلام)، تهران، انتشارات ناصر خسرو و نیز قم، مکتبه آیه الله مرعشی.
- معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم خوئی، چاپ اول، نجف، 1398 ق، چاپ سوم، بیروت، 1403 ق.
- مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، فخر رازی، چاپ سوم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- مفردات، راغب اصفهانی.
- المنار، رشید رضا، محمد، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفه، 1393 ق.
- المیزان فی تفسیر قرآن، محمدحسین طباطبائی، چاپ اول، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، 1417 ق.